



عدالت مهدوی و امنیت

دکتر بهرام اخوان کاظمی^۱

چکیده

در منابع اسلامی آیات و روایات زیادی درباره اهمیت دو مقوله اساسی و حیاتی عدالت و امنیت و جایگاه رفیع آنها در تمام ابعاد زندگی بشری وارد شده است. از سویی، عدالت و امنیت از برترین و مقدم‌ترین نعمت‌ها و دستاوردهایی است که توسط امام موعود(عج) به بشریت و آن هم در فراخنای گیتی هدیه خواهد شد. انقلاب مصلحانه حضرت در راستای تکمیل دیانت و رسالت نبوی و امامت اصلاح‌گرایانه ائمه معصومین(ع)، این نهضت را به پایان خواهد برد و تمام اقوام و ملل و آحاد بشری بدون هیچ‌گونه تبعیض و گزینشی طعم و حلاوت عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید و اسلام دین فراگیر خواهد شد و در جایگاه عادلانه و بایسته خود خواهد نشست. در این مقاله برای فهم وضعیت و نوع حکومت مهدوی و در عصر ظهور و شناخت شاخصه‌های آن از جمله عدالت و امنیت و تعامل این دو مفهوم، از دو راه تفحص در روایات پیرامون عصر ظهور و دیگری مراجعه به سیره نظری و عملی پیامبر(ص) و سایر معصومین(ع) و به ویژه امام علی(ع) اقدام شده است.

مقدمه

با نگاهی گذرا به روایات بسیاری که درباره امام مهدی(عج) و عصر ظهور ایشان وارد شده، به خوبی این نکته درک می‌شود که عدالت و امنیت از برترین و مقدم‌ترین نعمت‌ها و دستاوردهایی است که توسط امام موعود(ع) به بشریت هدیه خواهد شد. ذکر این مسئله در روایات از تواتر بسیار بالایی برخوردار است. با توجه به اهمیت این موضوع، نوشتار حاضر تلاش دارد با نیم نگاهی به ماهیت، معانی و منزلت این دو مفهوم در اندیشه اسلامی، جایگاه آن‌ها را نیز در حکومت مهدوی تا حدی روشن نماید.

۱. بی‌عدالتی و ناامنی از شاخصه‌های اصلی دوره پیش از ظهور

بررسی زمینه‌های تاریخی بروز و تثبیت بی‌عدالتی و ناامنی در جهان اسلام، مسئله مهمی است که باید به اساس و دلایل اساسی این پدیده اشاره کرد.

ظهور اسلام در عصر جاهلی و حرکت عظیم تمدن‌ساز پیامبر اکرم(ص) در طول بیست‌وسه سال مجاهدت ایشان گرچه به اصلاحات و ترقیات اساسی در عصر و اجتماع آن روز پدید آورد، ولی متأسفانه باید اذعان داشت که در تمام این مدت، عناصر منحط و فرصت‌طلب و مرتجع با مقاومت فعالانه در برابر این جنبش، به دنبال زنده کردن ریشه‌های جاهلیت و شرک و اشرافیت پیشین بودند. این باندهای سیاسی - اقتصادی فاسد یا در ساختارهای جدید حل و هضم نشدند و یا این‌که فریبکارانه خود را جزو گروندگان و

مؤمنان به اسلام جای زدند. این حرکت‌های منافقانه و ریاکارانه، همواره مایه نگرانی پیامبر(ص) بود. با ارتحال آن رهبر الهی، ریشه‌ها و حرکت‌های گذشته جاهلی دوباره سربرآورد و انقلاب و نهضت انسان ساز و معنوی نبوی را کند یا منحرف ساخت.

برخی نمونه‌های مهم این انحراف عبارتند از به شهادت رساندن سه امام نخستین تشیع و بروز فاجعه کربلا، به ترتیب در سال‌های ۴۰، ۴۹ و ۶۱ هجری که بزرگ‌ترین خسارت‌ها را به عالم اسلامی وارد ساخت.

انحراف سیاسی امت اسلامی و عامل اساسی تثبیت بی‌عدالتی و ناامنی ماجرای سقیفه در نیمه اول هجری است. در آن جریان برخی پس از ترمذ از دستور و نص صریح نبوی مبنی بر اولویت امام علی(ع) برای جانشینی، امامت و ولایت در عرصه ظاهری و دنیوی را از امام(ع) غصب کردند. پس از آن، با احیای ریشه‌های ارتجاعی زندگی سیاسی - اجتماعی جاهلی و قبیله‌ای، روند برگشت به این دوران تیره آغاز و دنبال شد.

تبدیل خلافت به ملوکیت و تبعات منفی بعدی آن، انحراف‌های برخاسته از قضیه سقیفه را کامل کرد. همچنین با افزایش گمراهی مردم و هواپرستی و هوس زدگی آن‌ها بر اثر سیاست‌های وقت خلفا و حاکمان ستمگر، امام معصوم(ع) کم‌کم یآوری مردمی را از دست دادند و در جوی پر از بی‌عدالتی و ناامنی و خفقان، در نهایت مظلومیت به شهادت رسیدند. از سوی دیگر، این شرایط نامساعد منجر به غیبت امام عصر(عج) گردید. تا پیش از آن، سیاست فشار و اختناق، امامان(ع) را وادار کرده بود تا فعالیت خود را در نهان پی بگیرند و گفتار و کردار خویش را همراه با تقیه، در پوشش کتمان و رمز حفظ کنند.

امام مهدی(ع) در چنین فضایی، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمد. پنج‌سال از عمر شریف ایشان در زمان حیات پدر بزرگوارش - هنگامی که دستگاه حاکم خلفای عباسی امام عسکری را به زندگی مخفیانه و محتاطانه واداشته بود - گذشت.

در نهایت، به خاطر فشارهای مذکور و گمراهی مردم و همراهی نکردن آن‌ها، غیبت صغرا از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری به طول انجامید و امام پس از گذشت تقریباً ۷۰ سال از غیبت صغری، از سال ۳۲۹ تا کنون در غیبت کبری به سر می‌برد، تا با اجازه الهی ظهور یافته و زمین را پر از عدل و امان نماید.

می‌توان اضافه کرد که با حذف علی(ع) از صحنه خلافت توسط خودکامگان چیره، زمینه تحریف شریعت اسلامی و مسخ عدالت آرمانی آغاز شد. به یقین می‌توان خودکامگی و زورمداری را به عنوان بزرگ‌ترین عامل این تحریف و گسترش جو ناامنی فیزیکی و روانی در جهان اسلام به شمار آورد. این واقعیت دارد که بخش گسترده‌ای از تاریخ

نظام‌های سیاسی به نظام‌های خودکامه اختصاص دارد، حکومت‌هایی که شیوه اعمال قدرتشان مبتنی بر زور و چیرگی خشونت‌آمیز و اجبار بوده و به دلیل بی‌عدالتی، نامشروع بوده‌اند. چنین حکومت‌هایی مجبور بوده‌اند برای مشروع و موجه نشان دادن خود، به تحریف دین، مفهوم عدالت و حذف مصادیق و اسوه‌های معصومان(ع) پردازند و عملاً نیز در کار خویش تا پیش از عصر ظهور، به توفیق دست یافتند. اینان به نفع امنیت کاذب در سایه شمشیر، عدالت آرمانی را مسخ کردند و عقب راندند. در سایه چنین خفقتانی، ائمه یازده‌گانه را به شهادت رسانده و بسیاری از منادیان حق و رهروان آن‌ها را شهید، شکنجه و تبعید نمودند یا این که با افترا و تهمت و ناسزا آنان را از میدان به‌در کردند.^۲

از سوی دیگر، یکی از عوامل پدیدآورنده ناامنی در جهان اسلام، تهدیدها و حملات پی‌درپی، علیه این دین بوده است. اسلام در طول تاریخ، پیوسته درگیر معارضات و مخالفان سرسخت و کینه‌توز، داخلی و خارجی بوده است. این درگیری و منازعه از گذشته تاکنون به‌طور مداوم ادامه داشته است. اساساً موقعیت جغرافیایی دارالسلام از همان ابتدای ظهور و گسترش، به گونه‌ای بود که آن را در معرض تاخت و تازها و حملات پی‌درپی و سهمگین قرار می‌داد. حملاتی چون تهاجم مغول‌ها، جنگ‌های تحمیلی صلیبی، هجوم گسترده و همه‌جانبه استعمار غربی به جهان اسلام و اشغال مستقیم بلاد اسلامی (قرن ۱۹م/ ۱۳هـ)، تثبیت ناامنی، ایجاد رکود اقتصادی - اجتماعی، تخریب بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی و به‌طور کلی انحطاط داخلی مشرق و جهان اسلام را به دنبال داشت که تأثیرات منفی و عقب‌نگهدارنده آن‌ها، تا به امروز باقی است.

در بسیاری از روایات منقول از پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) از بروز ناامنی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، جنگ‌ها، هرج و مرج‌ها و فتنه‌های فراوان، به عنوان ملاحم و نشانه‌های ظهور مهدی موعود(عج) و ویژگی‌های عصر غیبت یاد شده است.^۳ به عنوان نمونه امام علی(ع) در این زمینه فرموده است:

او [حضرت مهدی(عج)] خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد.

در آینده، آتش جنگ میان شما افروخته می‌گردد و چنگ و دندان نشان می‌دهد. با پستان‌هایی پُر شیر که مکیدن آن شیرین، اما پایانی تلخ و زهراگین دارد، به سوی

۲. هم‌چنان‌که درباره سرنوشت این شیعیان در دعای ندبه چنین آمده است: «فقتل من قتل و سُبّی من سُبّی و اُقصی من اُقصی...».

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸.

شما می‌آید. آگاه باشید؛ فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروز است و عمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد. زمین میوه‌های دل خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را که تا آن روز متروک مانده‌اند، زنده می‌کند.^۴

هم‌چنین از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که در پاسخ این پرسش که چه موقعی قائم شما قیام می‌کند، فرمود: «زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد».^۵

پیامبر (ص) در روایت دیگری به شکل مفصل‌تری ناامنی و بی‌عدالتی پیش از ظهور را چنین بیان فرموده است:

منا مهدی هذه الامه اذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغار بعضهم على بعض فلاكبير يرحم صغيراً و لاصغير يوقر كبيراً فيبعث الله عند ذلك مهدينا التاسع من صلب الحسين يفتح حصون الضلاله و قلوباً غفلاً يقوم في الدين في آخر الزمان كما قمت به في اول الزمان و يملاء الارض عدلاً كما ملئت جوراً.^۶

مهدی این امت از ماست. هنگامی در دنیا هرج و مرج شده و فتنه‌ها آشکار شود و راه‌ها مورد راهزنی قرار گرفته و بعضی از مردم به بعض دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکنند و کوچک‌تر احترام بزرگ‌تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین است؛ برج و باورهای گمراهی و قلب‌های قفل شده را فتح می‌کند و در آخر الزمان به خاطر دین قیام می‌کند؛ همان‌طور که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پر شده، از عدل و داد، پر و سرشار می‌سازد.

در همین زمینه، محمد بن مسلم می‌گوید، از ابا عبدالله (ع) شنیدم که می‌گوید:

به درستی که برای قیام قائم ما - که بر او درود باد - نشانه‌هایی است که خداوند عزوجل آن‌ها را برای مؤمنان قرار داده است.

فرد یاد شده مجدداً این علامت‌ها از امام (ع) می‌پرسد و ایشان نیز با اشاره به آیه ۱۵۵

سوره بقره، می‌گوید:

این‌که خداوند فرموده است: «قطعاً شما را به چیزی [از قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مؤثره ده شکیبایان را»؛ یعنی

۴. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه انتشارات حضور، زمستان ۱۳۸۱، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۰.

۵. «سئل عن النبی متى یقوم قائمکم، قال اذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً»؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، قم، دارالکتب اسلامیة، [بی‌تا]، روایت ۱۷۶، باب ۴۱، ص ۳۲۲.

۶. همان، ج ۵۲، روایت ۱۵۴، باب ۲۵، ص ۲۶۶.

این‌که مؤمنان پیش از خروج قائم این‌گونه مورد ابتلا و آزمایش قرار می‌گیرند.^۷

شایسته است پیش از این‌که به وضعیت عدالت و امنیت در عصر حکومت مهدوی اشاره کنیم، مروری کوتاه بر تعاریف این دو مفهوم داشته و جایگاه آن‌ها را در منابع اسلامی مورد بازخوانی قرار دهیم.

۲. مفهوم و جایگاه عدالت

یکی از دشواری‌های بحث، مفهوم بنیادی عدالت، ابهام در تعاریف و معانی آن است. البته این دشواری باعث نشده که مکاتب دینی، سیاسی، اجتماعی و... در ارائه نظرات خود در این باره کوتاهی ورزند. به عنوان نمونه، فلسفه و اندیشه سیاسی غرب در این زمینه دارای میراثی غنی است. گرچه در نظر برخی از اندیشمندان این حوزه، تعریف و شمارش همه معانی عدالت وهمی بیش نیست و این مفهوم دچار ابهامی لاعلاج است.^۸

اما در اندیشه اسلامی کلمه عدل را معمولاً با چند معنی و کاربرد مختلف استفاده می‌کنند که برگرفته از قرآن، سنت نبوی و سخنان امام علی (ع) است. این معانی عبارتند از: راستی، درستی، داد، موزون بودن، رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض، قرارداد و نهادن هر چیز در جای خویش، رعایت حقوق افراد و دادن حق به مقدار، رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود توسط خدای متعال و...

هم‌چنین در فرقه‌ها و گرایش‌های گوناگون در اندیشه سیاسی اسلام (مانند فلسفه سیاسی، فقه سیاسی، اندرزنانه نویسی، ادبیات سیاسی، تاریخ و فلسفه اجتماعی)، عدالت تعریف شده است. در آرای همه اندیشمندان این نحله‌ها و مکاتب، تعبیر متعدد و همانندی از مفهوم عدالت - با تأسی به قرآن و سنت - صورت گرفته که بخشی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. عدالت، خصیصه ماهوی نظم الهی حاکم در کائنات؛^۹
۲. عدالت به معنای «وضع کلّ الشیء فی موضعه؛ قرار دادن هر چیز در جای خویش»؛
۳. عدالت به معنای «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه؛ حق را به مقدار رساندن» و ایفای اهلیت و

۷. عن محمد بن مسلم قال، سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: «انّ لقيام القائم (ع) علامات تكون من الله عزوجل للمؤمنين قلت: و ما هي جعلني الله فداك؟ قال، ذلك قوله عزوجل «ولنبئوكم - يعني المؤمنين قبل خروج القائم - بشيء من الخوف والجوع و نقص من الاموال والانسف والثمرات و بشر الصابرين»؛ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲ ش، صص ۲۹۰-۲۹۱، روایت ۱۲۲۸ (به نقل از تفسیر نورالقلین، ج ۱، ص ۳۱۴).

۸. see, chaim pereLman, Justice et raison, eed, ۱۹۷۰, edition de universite de Bruxelles, p. ۱۲-۱۴.

۹. این تعریف از عدالت، در کلیه آثار اندیشمندان اسلامی آمده است؛ برای نمونه رک: ابو نصر محمد فارابی، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، شرح و ترجمه سید جعفر سجادی، تهران، طهوری، چ دوم، ۱۳۶۱، ص ۲۵۸.

- رعایت استحقاق‌ها و نفی تبعیض و عدم ترادف با برابری مطلق؛
۴. عدالت به معنای اعتدال‌گرایی، میانه‌روی و رعایت ملکات متوسط؛^{۱۰}
۵. عدالت به معنای تعادل سه قوه در نفس و مدینه و سپردن راهبری نفس و مدینه به خرد و خردمندان؛
۶. عدالت به معنای راستی و راست‌کرداری و راست کردن؛
۷. عدالت به معنای تناسب و تساوی جرم با مجازات در حوزه قضا؛^{۱۱}
۸. عدالت به معنای تأمین مصلحت عمومی به بهترین صورت ممکن و اصلی‌ترین مبنای تأمین عمران و امنیت؛^{۱۲}
۹. عدالت در مدینه، به معنای تقسیم برابر خیرات مشترک عمومی؛^{۱۳}
۱۰. عدالت به معنای «حُسن در مجموع» و کمال فضایل و جور به معنای «مجموعه و تمام رذایل»؛^{۱۴}
۱۱. عدالت به معنای تقوای فردی و اجتماعی و هم‌سازی با نظم الهی حاکم بر طبیعت؛
۱۲. عدالت به معنای انصاف؛^{۱۵}
۱۳. عدالت به معنای عقد و قرار داد اجتماعی افراد، برای تقسیم کار در زندگی مدنی مبتنی بر شریعت؛^{۱۶}
۱۴. عدالت به معنای مفهومی همسان با عقل و خرد عملی؛^{۱۷}
۱۵. عدالت از دید فقها، به معنای ملکهٔ راسخه‌ای که باعث ملازمت تقوا در ترک محرمات و انجام واجبات می‌گردد؛^{۱۸}
۱۶. عدالت به معنای استقامت در طریق شریعت.

۱۰. رک: خواجه نظام‌الملک طوسی، سیاستنامه، تصحیح عباس اقبال، تهران، اساطیر، ج دوم، ۱۳۶۹، صص ۵۷ و ۹۸.

۱۱. رک: همان، ص ۳.

۱۲. رک: عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه، محمد پروین گنابادی، ج اول، چ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، صص ۷۱-۷۲ و ۵۴۳-۵۳۷؛ ج دوم، صص ۷۱۶-۷۱۱.

۱۳. رک: ابونصر محمدفاریابی، فصول المدنی، تحقق: م. دنلوپ، کمبریج، ۱۹۶۱ فصل ۵۸، صص ۱۴۱-۱۴۲. هم‌چنین، رک: خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، چ پنجم، ۱۳۷۳، صص ۳۰۱-۳۰۸.

۱۴. رک: طوسی، همان، ص ۱۳۶.

۱۵. رک: نهج‌البلاغه، ترجمه و شرح سید علینقی فیض الاسلام، تهران، بی‌تا، ۱۳۹۲ هـ.ق، ۱۳۵۱ هـ.ش، کلمه ۲۲۳، ص ۱۱۸۸.

۱۶. رک: ابن سینا، الاشارات والتنبیها، ج چهارم، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲، ص ۶۱. هم‌چنین رک: ابن سینا، الشفاء والالهیات، به کوشش الاب قنوتی و سعید زاید، قاهره، ۱۹۶۴م، ص ۴۱.

۱۷. رک: نهج‌البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۲۳۵، ص ۱۷۱.

۱۸. رک: یاسین عیسی‌العاملی، الاصطلاحات الفقهیه فی الرسائل العلمیه، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۱۳۹.

البته برخی از این تعریف‌ها از رواج و اجماع بیش‌تری برخوردار بوده است؛ برای مثال، امام علی (ع) و بیش‌تر اندیشمندان اسلامی از گذشته تا کنون اذعان داشته‌اند که «عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش و حق را به مقدر رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌هاست». بر مبنای این تعریف از عدل، هر چیز باید در جای مناسب خویش قرار گیرد و در جایگاه خود می‌بایستی به انجام وظیفه و ویژه خود پردازد. شاهد این مدعا این که در قرآن بر همین اساس در سوره کهف، از دو باغ سخن می‌رود که هر دو سبز و خرم بودند و میوه‌های فراوان به بار می‌آوردند، قرآن در وصف این دو باغ می‌فرماید:

«هر دو باغ میوه‌های خود را به بار می‌آوردند و هیچ یک در این کار ظلم نمی‌کردند.»^{۱۹}

یعنی باغ هم در حقیقت عادل است و عدالت آن به این معناست که در نظام هستی به وظیفه خود عمل می‌کند. همه موجودات دیگر نیز همانند این دو باغ بر پایه عدل استوارند. خواهیم دید که در عصر مهدوی، با حکمفرمایی عدالت، زمین و زمان و طبیعت نیز عدالت پیشه کرده و با عمل به وظایف بایسته خویش، بشر را به حداکثر بهره‌مندی از خودشان خواهند رساند و میوه‌ها و فایده‌های پنهان خود را برای بهینه‌ترین نوع استفاده به بشر تقدیم خواهند کرد.

درباره بیان منزلت عدالت، به دلیل بديهی و مبرهن بودن شأن والای عدالت، نیازی به توضیح فراوان نیست. تنها ذکر همین نکته بس که مبنا و زیربنای تمامی اصول، در همه اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام، عدالت است. آیات الهی اشاره دارند که پیامبران را با مشعل‌های هدایت فرستادیم و به آن‌ها کتاب و میزان دادیم تا عدالت را برپا دارند. بنابراین چه بیانی رساتر از این که قرآن استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از دو هدف اساسی و فلسفه بعثت انبیا ذکر کرده^{۲۰} و آن را از صفات الهی و بارزترین خصیصه آفرینش و نیکوترین انسان معرفی کرده است.^{۲۱} هم‌چنین اساس حکمیت و حکومت در قرآن، ایجاد قسط و عدل در جامعه است. از سوی دیگر، کثرت آیات و روایاتی که درباره عدل و کلمات مترادف و متضاد این واژه است، بیانگر اهمیت جایگاه این مفهوم در قرآن و احادیث - به‌ویژه موارد مرتبط با عصر ظهور - می‌باشد.

۱۹. کلنا الجنتین آتت أكلها و لم تظلم منه شيئاً (کهف/ آیه ۳۳).

۲۰. ولقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط. (حدید / ۲۵).

۲۱. رک: سوره‌های: شوری/ ۱۵، مائده/ ۸، نساء/ ۵۸، نحل/ ۹۰.

اما به صراحت می‌توان اذعان داشت، این مفهوم در منابع اسلامی، دارای عرصه وسیعی بوده و قلمروهای فردی و اجتماعی و زمینه‌های داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، دنیایی و آخرتی را در بر می‌گیرد و با شاخص‌های ایجابی و سلبی، از هر دو زاویه قابل تعریف و دسترسی است و البته این امر نسبی است؛ نه مطلق. تابع وضع و امکانات و توانایی‌های هر فرد و جامعه است و نباید آن را صرفاً به امکانات و تجهیزات نظامی، با اندازه‌های مادی و فیزیکی یا مقولات اقتصادی و مانند آن تعریف کرد. بلکه مفهومی عمیق‌تر، ظریف‌تر و فراگیرتر از موضوعات یاد شده داشته و بر ابعاد روحی، فکری، فرهنگی، اخلاقی، معنوی و اعتقادی و ارزش‌های الهی نیز اتکا و وابستگی کامل دارد. قرآن و روایات بیانگر این نکته بسیار مهم هستند که هرگونه امنیتی و در هر بعد از ابعاد آن، در ایمان و اعتقادات معنوی و الهی ریشه دارد و هر گونه ناامنی در هر عرصه‌ای، بالاخره ریشه‌اش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند مشرک، کفر، ظلم، استکبار و... برمی‌گردد. هم‌چنین مؤمن و صفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کُنش‌های امنیت‌زا است. می‌توان گفت، بسترسازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد، چه در حوزه رفتارهای فردی و چه در عرصه‌های اجتماعی و دوری آن‌ها از حیات سیئه و غیر ایمانی، اصلی‌ترین ساز و کار تأمین امنیت است. حال، چه در نظام اسلامی باشد، چه در عصر مهدوی و حکومت آخرزمان حضرت مهدی(عج). این نظام باید تلاش کند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و مقابله با دشمنان جبهه ایمان، امنیت و عدالتی همه جانبه و فراگیر را برای همه شهروندان جامعه اسلامی و حتی غیرمسلمانانی که در پناه آن زندگی می‌کنند، فراهم نماید. البته این کار باید بدون غفلت از زندگی دنیایی و با تأمین نیازهای این جهانی باشد تا بتواند زمینه ورود سرشار از عافیت و سلامت و ایمن از عذاب را به زندگی آن جهانی و اخروی آماده سازد. مشخص است که تا پیش از ظهور، انجام کامل و بهینه این امور توسط حکومت‌های دنیایی امکان‌پذیر نیست و این‌گونه آرمان‌های عالی الهی و بشری به صورت کامل، تنها در عصر حکومت مهدی(عج) محقق خواهد شد.

در قرآن کریم، آیات بسیاری درباره اهمیت امنیت و جایگاه والای آن در زندگی فردی، اجتماعی اقتصادی و... انسان وارد شده است که به کوتاهی، نمونه‌هایی از آن‌ها آورده می‌شود:

الف) قرآن یکی از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده است:

«وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی و لایشرکون بی شیئاً» (نور: ۵۵)

«خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان‌گونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.»

علامه طباطبایی درباره این آیه فرموده است:

این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنان که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند.^{۲۵}

بدین ترتیب، قرآن به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند و به یاری خداوند، حکومت جهانی مستضعفان را تشکیل خواهند داد، نوید امنیت و از میان رفتن همه اسباب ترس و وحشت را داده است.

ب) بنا به آیه «و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا البلد آمناً» (ابراهیم: ۳۵) حضرت ابراهیم هنگام بنا نهادن کعبه، به این نیاز فطری توجه کرد و از خداوند خواست آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد. خداوند نیز، بنا به آیه «و اذ جعلنا البیت مثابة للناس و امناء» (بقره: ۱۲۵)، آن‌جا را خانه امنی برای مردم قرار داد.

این ویژگی چنان عزیز است که موجب منت پروردگار بر آدمیان بوده و او را شایسته سپاس بندگی می‌کند.^{۲۶} پروردگار جهان به همین سرزمین امن، برای بیان کیفیت آفرینش انسان سوگند یاد می‌کند.^{۲۷} با اجابت دعای حضرت ابراهیم، خداوند هم امنیت تکوینی به مکه داد؛ زیرا شهری شد که در طول تاریخ حوادث ناامن کننده کم‌تری به خود دید و هم امنیت تشریحی عطا کرد؛ زیرا به فرمان الهی همه انسان‌ها و حتی جانوران در این سرزمین در امن و امان هستند. شکار حیوانات آن ممنوع است و حتی تعقیب مجرمانی که به این

۲۵. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ترجمه سید محمدباقر همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۴، ص ۲۰۹.

۲۶. فلیعبدوا رب هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف (قریش: ۳ و ۴)

۲۷. و هذا البلد الامین لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم (تین: ۳ و ۴)

حرم و خانه کعبه پناه برند نیز جایز نیست. تنها می‌توان برای اجرای عدالت در حق چنین مجرمانی آذوقه را بر آنها بست تا بیرون آیند و تسلیم شوند.

امن دانستن خانه کعبه توسط خدای متعال در حقیقت بیانگر اهمیت امنیت است که این بنای بسیار مقدس با آن توصیف شده است. این صفت کعبه در آیات بسیاری تکرار شده است. هم‌چنان‌که در سوره تین مکه مکرمه و شهر کعبه به «بلد امین» تشبیه شده است. علامه طباطبایی در این باره آورده است:

مراد از هذا البلد الامین مکه مشرفه است، و بلد امینش خواند، چون امنیت یکی از خواصی است که برای حرم تشریح شده و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریح نشده، و این حرم سرزمینی است که خانه کعبه در آن واقع است و خدای تعالی درباره آن فرموده: اولم یروا انا جعلنا حرما امنا^{۲۸} (عنکبوت/ ۶۷).

ج) در قرآن، شهری که برخوردار از نعمت باشد، به عنوان سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است و بنا به آیه «و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه یا تیهها رزقها رغدا من کل مکان» (نحل / ۱۱۲)، خداوند به عنوان الگو و نمونه، قریه و شهری را مثال می‌زند که امن، آرام و مطمئن بوده و همواره روزی‌اش به فراوانی از هر مکانی فرا رسیده است. بدیهی است، تحقق نهایی چنین شهری در جایی به جز عصر و حکومت امام مهدی، محقق نخواهد شد.

د) یکی از مصداق‌های مهم واژه‌هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» در قرآن، امنیت دانسته شده است به عنوان نمونه، علامه طباطبایی در بحث از آیه:

﴿ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات﴾^{۲۹} (اعراف / ۹۶) به این معنا اشاره کرده و می‌نویسد:

برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرد.^{۳۰}

هم‌چنین این مفسر در تفسیر آیه «واذکروا نعمه الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها»^{۳۱} (آل عمران / ۱۰۳) با بیان وضع ناامنی حاکم بر جامعه جاهلی پیش از اسلام، منظور از نعمت در آیه چنین بر

۲۸. علامه طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۳۹.

۲۹. اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.

۳۰. همان، ج ۸، ص ۲۵۲.

۳۱. و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید. پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید.

منظور از نعمت، مواهب جمیلی است که خدای تعالی در سایه اسلام به آنان داده و حال و روز بعد از اسلام آن‌ها را نسبت به پیش از اسلام بهبود بخشید، در دوران جاهلیت امنیت و سلامتی و ثروت و صفای دل نسبت به یکدیگر و پاک‌ی اعمال نداشتند و در سایه اسلام صاحب همه این‌ها شدند.^{۳۲}

علامه در تفسیر کلمه «نعیم» در آیه هشتم سوره تکوین؛ «ثم لتستلن عن النعیم» آورده است:

و نیز در مجمع‌البیان است که بعضی گفته‌اند: نعیم عبارت است از امنیت و صحت (منقول از مجاهد و عبدالله بن مسعود) و این معنا از امام ابو جعفر و ابی‌عبدالله (علیهما السلام) نیز روایت شده است.^{۳۳}

هم‌چنین این مفسر کبیر در تفسیر خویش، در تبیین واژه‌های «حیات حسنه»^{۳۴} و «حیات طیبه»^{۳۵}، یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع زندگی را بهره‌مندی از نعمت امنیت ذکر می‌نماید. هم‌چنان‌که یکی از ویژگی‌های «حیات سیئه» را زندگی در ناامنی می‌داند.^{۳۶} (ه) در قرآن، اولوالالباب به امنیت و سلامتی جاودانی بشارت داده شده‌اند. به تعبیر علامه:

جمله «سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار»، حکایت کلام ملائکه است که اولوالالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی و سرانجام نیک نوید می‌دهند؛ سرانجامی که هرگز دستخوش زشتی و مذمت نگردد.^{۳۷}

از سوی دیگر بنا به آیه «دخلوها بسلام آمین» (حجر: ۶۵)، در روز سرنوشت، وقتی انسان‌های صالح در جنت گام می‌نهند، به آن‌ها نوید امنیت و سلامت داده می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود که به این باغ‌ها با سلامت و امنیت وارد شوید.

(و) هنگامی‌که خانواده حضرت یوسف وارد مصر شوند، وی از میان تمامی مواهب و نعمت‌های مصر، انگشت روی مسئله امنیت می‌گذارد و به پدر و مادر و برادران خودش

۳۲. همان، ج ۵، ص ۳۷۶.

۳۳. همان، ج ۲۰، ص ۶۰۷. امام باقر(ع) و امام صادق(ع) در تفسیر این آیه فرموده‌اند: امنیت یکی از نعمت‌های بزرگ خداوندی است و در برابر این موهبت بزرگ، انسان‌ها در روز قیامت مورد سؤال قرار خواهند گرفت و باید پاسخ دهند: «ثم لتستلن عن النعیم، قیل هو الامان»، رک: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، [بی‌جا]، دارالمعرفه، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۵۳۸. هم‌چنین رک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، قم، دارالکتب الاسلامیه، [بی‌تا]، حکمت ۸، ص ۱۷۲.

۳۴. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

۳۵. همان، ج ۷، ص ۴۶۵.

۳۶. همان.

۳۷. همان، ج ۱۱، ص ۴۷۵.

می‌گوید: «دخلوها مصرّاً ان شاء الله آمین»؛ یعنی داخل مصر شوید که انشاءالله در امنیت خواهید بود. این نشان می‌دهد، نعمت امنیت ریشه همه نعمت‌ها است؛ زیرا هر گاه امنیت از میان برود، دیگر مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدور است، نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیش‌برد هدف‌های اجتماعی.^{۳۸}

ز) امنیت بزرگ‌ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق اعطا می‌شود؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ» (انعام: ۸۱)؛ یعنی کدام یک از دو دسته شایسته امنیت هستند؟

در سخنان و روایات معصومان(ع) نیز مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است که برای نمونه، تنها مواردی از آن‌ها ذکر می‌شود.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ مُعَافَى فِي بَدَنِهِ آمِنًا فِي سِرِّهِ بِعِنْدَةِ قُوْتِ يَوْمِهِ فَكَأَنَّمَا خَيْرَتُ لَهُ الدُّنْيَا بِحِذَائِهَا.^{۳۹}

هر که تنش سالم است و در جامعه خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست.

ایشان هم‌چنین فرموده است:

الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.^{۴۰}

امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند.

امام صادق(ع) زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده و در این راستا فرموده است:

خمس خصال من فقد منهن واحدة لم يزل ناقص العيش، زایل العقل، مشغول القلب؛ فالاولاها صحة البدن والثانية الامن و...^{۴۱}

پنج چیز است که حتی اگر یکی از آن‌ها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوارست، عقل نابود می‌شود و مایه دل مشغولی می‌گردد؛ نخستین این پنج چیز، سلامتی و دومین آن امنیت است...

در روایتی در تحف العقول، از امنیت در کنار عدالت و فراوانی، به عنوان سه نیاز

اساسی مردم یاد شده است:

۳۸. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۴.

۳۹. رسول اکرم(ص)، نهج‌الفصاحه، گردآورنده: مرتضی فرید تنکابنی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴، ۱۳۷۴ش/۱۶۱۶ق، ص ۵۹.

۴۰. همان.

۴۱. بحارالانوار، ج ۷۸، حکمت ۱، ص ۱۷۱.

ثلاثة اشياء يحتاج الناس طراً اليها: الامن، والعدل والخصب.^{۴۲}

سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی.

امام علی(ع) در بحث از اهداف عالی حکومت، یکی از دلایل پذیرش حکومت را تأمین امنیت برای بندگان مظلوم و محروم و پشتیبانی از آنها می‌شمارد. باز آن حضرت در بیان نقش و اهمیت امنیت می‌فرماید: «رفاهية العيش في الامن»^{۴۳} رفاه زندگانی در امنیت است» و «الانعمة أهنأ من الامن»^{۴۴} هیچ نعمتی گواراتر از امنیت وجود ندارد».

۴. عدالت، خاستگاه و بستر امنیت

اصولاً در چگونگی فهم وضعیت و نوع حکومت مهدوی، در عصر ظهور و شاخصه‌های آن مانند عدالت و امنیت، دو راه می‌توان در پیش گرفت: راه نخست، تفحص در روایات دربارهٔ عصر ظهور حضرت مهدی(عج) است و راه دوم مراجعه به سیره نظری و عملی پیامبر(ص) و دیگر معصومین(ع) به‌ویژه امام علی(ع) روشن است که معصومان(ع)، همه در سیره و سنت دارای یک شیوه‌اند؛ زیرا همه از نوری یکتا آفریده شده و ترجمان وحی می‌باشند. از سویی، حکومت آرمانی امام عصر(عج) در واقع، ادامهٔ تلاش‌های اصلاح طلبانهٔ امامان معصوم(ع) به‌ویژه برای به ثمر نشاندن حکومت نافرجام امام علی(ع) است که به دلیل فشار خودکامگان مسلط و هواپرستی و گمراهی مردم ادامه نیافت. از سوی دیگر، مراجعه به سیره و سنت سیاسی اجتماعی دیگر معصومان(ع) به‌ویژه سیره علوی، رافع پاره‌ای از ابهام‌ها و کمبودهایی است که امروزه در فهم دقیق وضعیت عصر ظهور با آن‌ها مواجه هستیم. به همین دلیل، در این گفتار ابتدا برای فهم ارتباط عدالت مهدوی و امنیت به سیره دیگر معصومان(ع) رجوع می‌نماییم.

در حوزه سیاست و مباحث مرتبط با امنیت نمی‌توان از تعامل موضوع عدالت با امنیت غافل شد. این نکته در بیان بسیاری از معصومان(ع) آمده است. علی(ع)، عدالت را رمز بقا، استحکام و ترقی نظام سیاسی و ضامن ثبات و امنیت واقعی و منافی خشونت به‌شمار می‌آورد. امام(ع)، عدل را «رستگاری و کرامت»، «برترین فضایل»، «بهترین خصلت»،

۴۲. ابو محمد ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۴.

۴۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ش، ص ۱۰۰.

۴۴. همان، ج ۶، ص ۴۳۵.

«بالاترین موهبت الهی»^{۴۵}، «فضیلت سلطان»، «سپر و نگهدارنده دولت‌ها»، «مایه اصلاح رعیت»، «باعث افزایش برکات»، «مایه حیات آدمی و حیات احکام» و «مأنوس خلایق» ذکر می‌نمایند. او حکومت را مشروط به «عدالت گستری» دانسته و نظام آمریت را مبتنی بر «عدل» می‌داند. از این دیدگاه «ملاک حکمرانی و قوی‌ترین بنیان، عدل است»؛ بنیانی که «قوام عالم به آن مبتنی است».^{۴۶}

مسئله مهم در سیره علی(ع) این است که ایشان هیچ وقت برای حفظ امنیت و نظام سیاسی، از عدالت به نفع امنیت عقب ننشسته‌اند، بلکه بر عکس، رعایت عدالت را ضامن امنیت، حفظ نظام، مایه روشنی چشم زمامداران و رسوخ محبت آنان در دل مردم می‌دانند. امام(ع) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید:

تحقیقاً بهترین چیز (نور چشم) برای حاکمان، اقامه عدالت و استقرار عدالت در سطح کشور و جذب قلوب ملت است و این حاصل نشود مگر به سلامت سینه‌هایشان [خالی بودن از کینه و بغض حاکمان].^{۴۷}

پس اگر زمامداران عادل‌پیشه باشند، قلب‌ها به سوی آنان جذب و عقده‌ها از دل‌ها بیرون می‌رود. این خود تضمین‌کننده استحکام ارکان دولت و پیوند محکم آن با ملت است. عدل‌محوری نظام سیاسی باعث می‌شود مردم برای رسیدن به آرمان‌ها و خواسته‌های خود راه‌های منطقی را برگزینند. در غیر این صورت، نومی‌دی از عدالت، انسان‌ها را به نیرنگ، سوء استفاده، خلاف‌کاری، تضعیف اخلاق عمومی و از هم پاشیدگی اجتماعی خواهد کشانید که خواه ناخواه، نتیجه آن ناپایداری امنیت و ثبات سیاسی نظام حاکمه و دولت است.

از دید امام(ع) رعایت عدالت از سوی رهبران و کارگزاران نظام اسلامی در سطوح مختلف سامانه سیاسی، نتایج مثبت فراوانی را دارد. این آثار برای شخص رهبران عبارت

۴۵. «العدل فوز و کرامة، الانصاف افضل الفضائل»، عبدالکریم بن محمد قزوینی، بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان(ع)، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱، ص ۹۷. «العدل افضل سجية»، همان، ص ۱۰۰؛ «الانصاف افضل الشیم»، همان، ص ۹۷؛ «اسنی المواهب العدل»، همان، ص ۱۱۲.

۴۶. «العدل فضیلة السلطان»، «العدل جنة الدول»، «العدل يصلح الرعية»، «العدل مألوف»، «اعدل تحکم»، «العدل نظام الامر»، «بالعدل تتضاعف البرکات»، «العدل حياة»، «العدل حياة الاحکام»، «ملاک السياسة العدل»، «العدل اقوی اساس» و «العدل اساس به قوام العالم»؛ میزان الحکمه، باب العدل، صص ۷۸-۹۰.

۴۷. نهج البلاغه، فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۹۸۸.

استقلال و توان، نافذ شدن حکم، ارزشمندی و بزرگ مقداری، بی‌نیازی از یاران و اطرافیان، مورد ستایش قرار گرفتن زمان حکمرانی آن‌ها و بالا رفتن شأن، عظمت و عزت ایشان.

امام علی(ع) معتقد است، «هیچ چیزی مانند عدالت، دولت‌ها را محافظت نمی‌کند» و عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می‌گردد.^{۴۹}

مهم‌ترین و فراگیرترین اثر عدالت در سازندگی و اصلاح جامعه است؛ چرا که «عدل سبب انتظام امور مردم و جامعه می‌باشد» و «هیچ چیز به اندازه عدالت نمی‌تواند مردم را اصلاح نماید»، اجرای عدالت «مخالفت‌ها را از بین می‌برد و دوستی و محبت ایجاد می‌کند»^{۵۰} و در عمران و آبادانی کشور (توسعه اقتصادی، صنعتی) تأثیر بسزایی دارد.^{۵۱} اگر عدالت در جامعه اجرا نشود، ظلم و ستم جای آن را خواهد گرفت و ظلم جز آوارگی و بدبختی و در نهایت، خشونت اثری نخواهد داشت. حضرت خطاب به یکی از والیان خود می‌فرماید:

استعمل العدل، و احذر العسف والحييف، فان العسف يعود بالجلء، الحيف يدعو الى السيف.^{۵۲}

کار را به عدالت کن و از ستم و بیداد بپرهیز که ستم رعیت را به آوارگی وا می‌دارد و بیدادگری شمشیر در میان آورد.

از این سخنان نتیجه گرفته می‌شود که از دیدگاه امام علی(ع)، عدالت‌ورزی زمامداران باعث برچیده شدن خشونت‌گرایی و شورش مردم علیه حکومت می‌گردد و به جای احساس نومیدی و سرخوردگی و تنفر از حکومت، اطمینان، آرامش و محبت به نظام

۴۸. «من عدل تمکن»، شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۲۷۵؛ «من عدل عظم قدره»، همان، ج ۵، ص ۱۹۳؛ «من عدل فی سلطانه استغنی من أعوانه»، همان، ج ۵، ص ۳۴۳؛ «من کثر عدله حمدت ایامه»، همان، ج ۵، ص ۲۹۰؛ «من عدل فی سلطانه و بذل احسانه اعلى الله شأنه و اعزّ أعوانه»، همان، ج ۵، ص ۳۹۶.

۴۹. «لن تحصنّ الدول بمثل استعمال العدل فیها» شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۷۰؛ «من عمل بالعدل حصن الله ملکه و من عمل بالجور عجل الله هلكه»، همان، ج ۵، ص ۳۵۵؛ «العدل جنة الدول»، همان، ج ۲، ص ۶۲؛ «اعدل تدم لك القدرة»، همان، ج ۲، ص ۱۷۸.

۵۰. «العدل قوام البریة»، عبدالکریم بن محمدیحیی قزوینی، زوال و بقا در کلمات سیاسی امیرالمؤمنان(ع)، ص ۹۹؛ «حسن العدل نظام البریة»، همان، ص ۱۳۸؛ «عدل الساعة حیوة الرعية و صلاح البریة»، همان، ص ۱۷۵؛ «بالعدل تصلح الرعية»، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۵۴؛ «العدل يستديم المحبة»، بقا و زوال... در کلمات سیاسی امیرمؤمنان، ص ۱۰۰؛ «الانصاف يرفع الخلاف و يوجب الائتلاف»، همان، ص ۱۰۱.

۵۱. «ما عمرت البلدان به مثل العدل»، همان، ص ۱۹۳.

۵۲. نهج‌البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۴۶۸، ص ۱۳۰۴.

سیاسی در دل ایشان جای می‌گیرد. با افزایش محبت و وفاداری مردم به نظام، تشتت، تفرقه، ناامنی و ناپایداری، به سوی وحدت عمومی، امنیت و ثبات واقعی تغییر جهت خواهد داد. همین معانی در سخنان دیگر معصومان (ع) نیز آمده است. حضرت فاطمه (س) در خطبه فدک می‌فرماید:

خدای سبحان، ایمان و اعتقاد به توحید را برای پاکیزه نگه‌داشتن از آلودگی و شرک واجب کرد و عدالت را برای تأمین اطمینان و آرامش دل‌ها لازم نمود، اطاعت مردم از حکومت را مایه انتظام ملت قرار داد، و با امامت و رهبری، تفرقه آن‌ها را رفع کرد، و نیز عدالت در احکام را برای تأمین انس و همبستگی و پرهیز از اختلاف و تفرقه قرار داد.^{۵۳}

هم‌چنان‌که امام سجاد به والی و سلطان می‌فرماید:

حق مردم بر تو آن است که بدانی ایشان به دلیل ضعف خود و قوت تو زیر فرمان روایی و رهبری تو قرار گرفته‌اند. پس واجب است که با آن‌ها عدالت پیشه کنی و برایشان همانند پدری مهربان باشی و از نادانی‌هایشان گذشت نمایی و در عقوبت و مجازاتشان عجله نکنی و ضروری است درباره نیروی فرادستی خود نسبت به آنان، که عطیة الهی است، شکر خدا را به جای آوری.^{۵۴}

از سوی دیگر، استبداد، سرکوب‌گری و خودکامگی، در روایات منشأ ناامنی و بروز شورش و بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و از میان رفتن حکومت به شمار آمده است. از این رو، برای اعمال بهینه قدرت سیاسی و دستیابی به آرمان‌های والای حکومت - مانند امنیت - برخورد دوستانه و مودت‌آمیز، بدون کاربرد خشونت و سرکوب‌گری مردم توصیه شده است. لذا با نهی شدید استبداد و رزی، بر رعایت عدالت در حقوق متقابل مردم و حکومت پافشاری گردیده است. اگر عدالت متعامل با امنیت است، بدیهی است ظلم نیز مقارن با ناامنی و بی‌ثباتی است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، یکی از نشانه‌های ظلم را سرکوب کردن (تغلب) زیردست می‌داند و چیرگی فرد نسبت به فرودستان را از نشانه‌های ستمگری می‌داند.^{۵۵}

امام (ع) در بسیاری از سخنانش، استبداد، خودکامگی و خشونت کارگزاران نظام سیاسی را با مردم به شدت نهی کرده و برخورد ملاطفت‌آمیز و عادلانه با آن‌ها را سفارش اکید فرموده است. وی از این مشی به عنوان عامل بقا و ماندگاری حکومت و نوین‌دلی

۵۳. رک: عبدالله جوادی آملی، «اجرای عدالت، مهم‌ترین عامل بقای نظام»، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره‌های ۳۰۸۲، ۲۳ دی ۱۳۶۸.

۵۴. همان.

۵۵. نهج‌البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۳۴۲، ص ۱۲۵۱.

دشمنان یاد می‌کند و در همین راستا در خطبه ۲۰۷، حقوق میان حکومت و مردم را دوسویه دانسته و این حقوق و رعایت آن را مایه انتظام در روابط مردم و عزت دین آنان به شمار آورده است. آن حضرت صلاح مردم را در صلاحیت حکومت‌ها و صلاح حکومت‌ها را در استواری و استقامت مردم می‌داند.^{۵۶}

روشن است که چنین امامت و حکومتی چه در عصر علوی و چه در عصر مهدوی، دستاورد آن عدالت و امنیت و حیات طیبه و کامل است و با ظلم، تغلب (چیرگی و سرکوب) و هم‌چنین اعمال خشونت منافات داشته و حکومت به حق و عدل، و با رویه ملائمت و ملاحظت‌جویانه را توصیه می‌کند.

۵. عدالت و امنیت، دستاورد فراگیر حکومت مهدوی

بنا بر روایات، بشر در دوران حیات زمینی خود، تا قیام قائم آل محمد (عج)، اسیر پراکندگی، دشمنی و جنگ خواهد بود. این دوران که می‌توان آن را دوران پراکندگی، نابرابری و ناامنی نامید، با ختم شدن به ظهور مهدی موعود و طلوع خورشید عدالت و امنیت، فرجامی خوش خواهد یافت. بنا به آیه ۵۵ سوره نور، پارسایان، به رهبری امام عصر (عج) خلیفه خدا شوند و دین حاکم گردد. در این صورت، بنا به وعده الهی، امنیت جای ترس را می‌گیرد و بندگان خدا به خشنودی و خوشبختی حقیقی دست خواهند یافت. اثر این عدالت و امنیت فراگیر، چنان است که طبیعت نیز بر سر مهر خواهد آمد و با پیشه کردن عدالت، همه گنج‌های خود را برای انسان رو خواهد کرد.

نکته قابل تأمل آن است؛ با این که اخبار و روایات بیانگر هرج و مرج و چیرگی بی‌عدالتی و ناامنی در عصر پیش از ظهور است، ولی به نظر می‌رسد این شرایط به صورت مطلق در همه جهان حاکم نباشد. لذا این باور انحرافی که می‌بایستی برای شتاب بخشیدن به ظهور حضرت، به افزایش فساد و ناامنی کمک کرد، کاملاً مردود و مخالف اسلام است. مگر نه این که خود امام عصر (عج)، حضور خود را در عصر غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه می‌نماید،^{۵۷} یا در روایتی دیگر می‌فرماید:

«به‌درستی که من مایه امان اهل زمین هستم؛ هم‌چنان که ستارگان مایه امنیت اهل آسمان‌ها هستند».^{۵۸}

ده‌ها روایت از پیامبر و امامان وارد شده که خود و اهل بیت را مایه امان ساکنان زمین

۵۶. همان، خطبه ۲۰۷، ص ۶۸۱.

۵۷. «و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالاتنفاع بالشمس اذ غیبتها عن الاضار السحاب»، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۵۸. «وانی امان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء»، همان، ج ۷۸، روایت ۱، باب ۳۰، ص ۳۸۰.

به شمار آورده‌اند.^{۵۹} بدین ترتیب، حضور امام عصر(عج)، چه به صورت غایب و چه به صورت ظاهر و در زمان قیام، مایه بارش فیض و نعمات الهی به سوی مردم است. طبیعی است که در دوره حکومت مهدوی این جریان به کمال خود خواهد رسید و همه موانع موجود بر سر اتصال فیض میان خداوند و مردم - از طریق امام برطرف خواهد شد. البته آن هنگام، مردم این واسطه خیر و نعمت نامرئی را به صورت مرئی و آشکارا دیده و لمس خواهند کرد.

همه امامان شیعه در زمان خود چنین واسطه فیضی بوده‌اند، اما متأسفانه به دلیل اختناق زمانه و سرکوب خودکامگان چیره از یک سو و هواپرستی و گمراهی مردم از سوی دیگر، نتوانستند بشریت را به کمال و غایت تکامل الهی و انسانی خویش رهنمون سازند. بنابراین می‌توان گفت، میان امام عصر(عج) و دیگر امامان معصوم(ع) در این زمینه تفاوتی نیست، ولی به خواست خداوند، امام موعود کسی است که رسالت پیامبر(ص) و طرح اصلاحی دیگر معصومان در اکمال دین و دستیابی به عدالت و امنیت و دیگر فضایل را به نتیجه نهایی می‌رساند. روایاتی که اثباتگر این مدعا است بسیار فراوانند. مثلاً امام زین العابدین(ع) می‌فرماید:

ما امام مسلمانان و براهین الهی بر جهانیان و سرور مؤمنانیم. ما رهبر شریف‌ترین مسلمانان و... مایه آمان ساکنان زمین هستیم؛ همان‌گونه که ستارگان مایه آمان و حفظ آسمان‌ها هستند. ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را از سقوط به روی زمین نگه داشته است و این به اجازه خداوند بستگی دارد. خداوند توسط ما زمین را از این‌که اهلش را نابود کند، نگه داشته است و به واسطه ما باران می‌فرستد و رحمت خویش را بر مردم می‌گستراند و به واسطه ما برکات زمین خارج و ظاهر می‌شود و اگر ما بر روی کره خاکی نبودیم، زمین اهل خود را فرو می‌برد.^{۶۰}

امامان پاک ما به دلیل جو اختناق حاکم بر زمان خویش، آرمان‌های خود را در دوره قیام قائم(ع) جست‌وجو می‌کردند؛ هم‌چنان‌که امام علی(ع) درباره عدالت‌گستری و ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از عدالت و امنیت دیگر برکت‌ها می‌فرماید:

۵۹. قال رسول الله(ص): «واهل بیته امان لاهل الارض». همان، ج ۲۳، روایت ۶۴، ص ۳۷، باب ۱.

۶۰. همان، ج ۲۳، روایت ۱۰، باب ۱، ص ۵.

ولو قام قائمنا لانزلت السماء قطرها و لاخرجت الارض نباتها و ذهبت من قلوب العباد و اصطلحت السبع و البهائم حتى تمشي المرأه بين العراق الى الشام لاتضع قدميها الا على النبات و على رأسها زينتها، و لا يهيجهها سبع و لا تخافه.^{۶۱}

اگر به تحقیق، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید بیارد می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و میان دد و دام آشتی برقرار می شود؛ به گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت هایش را گذارده و نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند.

روایاتی از این دست بسیار فراوانند که در زیر به چند نمونه از آن ها که از پیامبر(ص) نقل شده اشاره می کنیم:

مردی از اهل بیت من خروج خواهد نمود و به سنت من عمل می کند و خداوند برای او از آسمان برکاتش را فرو می فرستد و زمین برکت هایش را خارج می سازد. به واسطه وی، زمین همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده، از برابری و داد سرشار می شود...^{۶۲}

اگر از عمر دنیا تنها یک شب باقی مانده باشد، خداوند آن شب را به اندازه ای طول خواهد داد، تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد... او زمین را از قسط و عدل پر می کند همان گونه که پیش از آن از ستم و جفاکاری پر شده بود. وی خواسته و مال را برابر بخش می کند و خداوند در آن هنگام بی نیازی را در دل های این امت قرار می دهد...^{۶۳}

از این دسته روایت ها به خوبی فهمیده می شود که در حکومت جهان شمول حضرت مهدی، عدالت و امنیتی فراگیر در همه جای دنیا برقرار می شود و تنها مسلمانان از این فیض و رحمت خداوندی بهره مند نمی شوند، بلکه این بهره مندی به همه ساکنان زمین می رسد؛ زیرا در سراسر گیتی، «گنج ها بیرون آورده خواهد شد و شهرها و روستاهای شرک فتح می شود».^{۶۴} در چنین حکومتی، عدالت و امنیت و همه بهره های آسمان و زمین، بی تبعیض، نصیب همگان خواهد گردید. هم چنان که امام حسین(ع) در فراز مهمی می فرماید:

... اذا قام قائم، العدل وسع وسعه عدل البر و الفاجر.

۶۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ تحف العقول، ص ۱۱۰. در نسخه تحف العقول حدیث این گونه روایت شده که این زن بر روی سرش زنبیل را قرار داده است.

۶۲. بحار الانوار، ج ۵۱، روایت ۲۵، ص ۸۲.

۶۳. همان، روایت ۳۵، ص ۸۴.

۶۴. قال رسول الله(ص): المهدی من ولدی... يستخرج الكنوز و يفتح المدائن الشرك، همان، باب ۱۸، ص ۹۶.

هنگامی که قائم قیام می‌کند، عدل گسترده می‌شود و این گستردگی عدالت، نیکوکار و فاجر را در بر می‌گیرد.^{۶۵}

بدین ترتیب بهره حکومت جهان‌شمول و عدالت گستر و امنیت‌محور حضرت مهدی، نه تنها شامل مسلمانان و غیرمسلمانان و اقلیت‌های گوناگون می‌شود، بلکه حتی بدکاران آن‌ها را هم در بر می‌گیرد. البته از روایات چنین بر می‌آید که حسنات و جاذبه حضرت مهدی و نهضت عدالت‌گستر او باعث جهان‌شمولی دیانت اسلام و اصلاح بدکاران و روی آوری تمام مردم جهان به اسلام خواهد شد. یکی از شواهد اثبات این مدعا روایاتی است از امام صادق (ع). از ایشان درباره تفسیر آیه هشتاد و سوم سوره آل عمران که می‌فرماید: «با آن‌که هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است»^{۶۶} پرسش شده است. امام (ع) در پاسخ اظهار می‌دارند که این آیه درباره زمان قیام قائم (ع) است که در آن هنگام در کره خاکی، جایی باقی نمی‌ماند مگر آن‌که در آن ندای شهادتین (لااله الاالله و محمد رسول الله) شنیده شود.^{۶۷}

از سویی، با توجه به این‌که در طول تاریخ، بسیاری از بی‌عدالتی‌ها و خون‌ریزی‌ها و ناامنی‌ها متوجه شیعیان بوده است، دوران امام قائم (ع)، عصر قدرت و ایمنی و رفع بلا و مصایب از شیعیان است. توان دفاعی آنها بسیار بالا می‌رود و حکومت زمین و سروری آن به ایشان خواهد رسید. امام زین‌العابدین (ع) در این باره فرموده است:

إذا قام قائمنا اذهب الله عن شيعتنا العاهة، و جعل قلوبهم كزبر الحديد و جعل قوّة الرجل منهم قوّة اربعين رجلاً و يكونون حكام الارض و سنامها.

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفات و بیماری و بلا را از شیعیان ما دور می‌سازد و قلب‌های آنان را به مانند پاره‌های آهن می‌گرداند و قوت و توان مردان ایشان را به اندازه چهل مرد افزون می‌کند. در آن هنگام شیعیان حاکمان زمین و سروران آن خواهند گشت.^{۶۸}

با وجود این، در عصر حکومت مهدی، همه مردم از امنیت و عدالت فراگیری برخوردار خواهند بود و عدالت در بیش‌ترین حد و به صورت کامل و تمام اجرا می‌شود. در آن هنگام استیفای حقوق به صورت قطعی صورت خواهد گرفت و در قضاوت‌ها و محاکم، دیگر امکان هیچ خطا و اشتباهی پیش نخواهد آمد. زیرا امام (ع) خود میان مردم زندگی می‌کند و بر آن‌ها حکومت و قضاوت خواهد کرد. قضاوتی که بدون نیاز به بینة و

۶۵. همان، ج ۲۷، روایت ۲۴، باب ۴، ص ۹۰.

۶۶. «وله اسلم من فی السموات والارض طوعاً و کرهاً»، آل عمران/ ۸۳.

۶۷. «إذا قام القائم (ع) لا یبقی أرض الا نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله!» میزان‌الحکمه، ج ۱، روایت ۱۲۴۷، ص ۲۹۴. (به‌نقل از تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۳۶۲).

۶۸. میزان‌الحکمه، ج ۱، روایت ۱۲۴۰، ص ۲۹۳. (به‌فعل از مشکوة الانوار، ص ۸۰).

اماره صورت می‌گیرد و این حکومت و قضاوت متکی به الهام الهی و بر همین مبنا متکی بر علم امام است. بدین ترتیب امام(ع) از مردم درخواست بینه و شاهد نمی‌کند و به مانند داوود و سلیمان حکم واحدی می‌نماید.^{۶۹} بر همین مبنا، عدالت و ادای حقوق به صاحبان آن به شکل قطعی صورت پذیرفته و کاملاً و بدون هیچ شبهه و خطایی انجام می‌گردد.

از دیگر نشانه‌ها و شاخصه‌های مهدوی که موجب پدید آمدن امنیت، آرامش و ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌گردد، تقسیم درست و برابر و مبتنی بر استحقاق بیت‌المال و اموال مشترک عمومی است. هم‌چنان‌که امام باقر(ع) می‌فرماید:

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت‌المال] را با مساوات تقسیم می‌کند و نسبت به شهروندان عدل می‌ورزد. پس هر کس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و سرکشی نسبت به او همانند سرکشی و گناه نسبت به خدا است.^{۷۰}

نکته بسیار مهم در مبحث حکومت عدالت‌محور و امنیت‌گستر مهدوی این است: اگرچه حضرت ولی‌عصر(ع) فاتح شهرهای شرک هستند و حتی چهره ترسیمی ایشان در روایات و هنگام قیام به گونه‌ای است که همواره شمشیر بر دوش دارند، واقعیت این است که قیام امام(ع) قیامی نظامی و میلیتاریستی و متکی بر اجبار و سرکوب نیست. بنابراین، نباید امنیت و عدالتی کاذب و در سایه شمشیر برقرار شود. قیام مصلحانه یاد شده، نهضتی ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهانیدن همه بشر از زنجیرهای نفسانی و موانع و بندهای بی‌شماری است که بر دست و پای انسان فعلی از سوی طاغوت‌ها زده شده و تکامل و کمال بشری را راکد کرده یا به پس‌رفت و قهقرا کشانده است. حرکت امیدبخش و زنده‌کننده حضرت، که با پرچم ایمان و عدالت صورت می‌پذیرد، در نهایت مشروعیت و رضایت عمومی صورت می‌گیرد و با پذیرش همگانی همه ساکنان زمین و آسمان و حتی حیوانات و جنندگان عالم هستی تحقق می‌یابد و همه با مباحثات و خشنودی به آن تن می‌دهند. در این میان، فرقی میان دیانت‌ها، نژادها، قومیت‌ها و هویت‌های گوناگون مردم گیتی نیست؛ چرا که نهضت مهدوی، حرکتی جهان‌گستر و عالم‌شمول برای نجات و رستگاری همه بشریت است. بدیهی است عدالت‌گستری حضرت مهدی(ع)، خود زمینه‌های تقویت و پایداری مشروعیت حکومت ایشان و جذب دل‌های بیش‌تر مردم را به

۶۹. قال اباعبدالله(ع): «إذا قام قائم آل محمد عليه و عليهم السلام، حكم بين الناس بحكم داود لا يحتاج الي بينة يلهمه الله تعالى فيحكم بعلمه»؛ بحارالانوار، ج ۱۴، روایت ۲۳، باب ۱، ص ۱۴.

قال ابی جعفر(ع): «انه اذا قام قائم آل محمد حكم بحكم داود و سليمان لايسال الناس بينة»؛ همان، ج ۲۳، روایت ۲۸، باب ۴، ص ۸۵.
۷۰. «اذ قام قائم اهل البيت قسم بالسوية و عدل في الرعيه فمن اطاعه فقد اطاع الله و من عصاه فقد عصى الله». همان، ج ۵۲، روایت ۱۰۳، باب ۲۷، ص ۳۵۰؛ هم‌چنین رک: همان، ج ۵۱، روایت ۱۵، ص ۸۱.

دنبال خواهد داشت. پیامبر اکرم(ص) درباره اجماعی بودن پذیرش حکومت حضرت مهدی(ع) می فرماید:

... فیما للارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض...^{۷۱}

... یملأ الارض عدلاً کما ملئت جوراً یرضی بخلافته اهل السموات و اهل الارض و الطیر فی الجو...^{۷۲}

... پس زمین را از عدل و قسط پر می کند؛ همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده بود. هم ساکنان آسمان و هم ساکنان زمین از او خوشنود هستند...
زمین را همان گونه که از ستم پر شده بود، از عدل سرشار می کند. اهل آسمان ها و اهل زمین و پرندگان آسمان به خلافت او رضایت می دهند.

از دیگر ویژگی های عدالت مهدوی و جهان شمولی بدون تبعیض حرکت مصلحانه امام مهدی(ع) این است که ایشان اصحاب خود را با هدایت الهی و بر اساس لیاقت و شایستگی، نه از یک نقطه خاص که از کشورها و شهرهای گوناگون بر می گزینند. این امر نشانگر آن است که حرکت امام(ع) مختص ناحیه یا کشور خاصی نیست، بلکه متعلق به همه جهانیان است تا آنان با آغوش باز و خوشنودی اسلام را پذیرا باشند و دستورهای آن را سرمشق زندگی رستگارانۀ خود قرار دهند.

پیامبر گرامی اسلام درباره عدالت گستری و هم چنین اصحاب حضرت مهدی(ع) فرموده است:

مهدی یحکم بالعدل و یامر به یرصدق الله عزوجل و یرصدق الله فی قوله یخرج من تهامة حین تظهر الدلائل و العلامات و له کنوز لاذهب و لافضة الا خیول مطهمة و رجال مسومة یجمع الله له من اقصی البلاد علی عدة اهل بدر ثلاثماتة و ثلاثة عشر رجلاً معه صحيفة مختومة فیها عدد اصحابه باسمائهم و بلدانهم و طبایعهم و حلالهم و کناهم کدادون مجدون فی طاعته.^{۷۳}

مهدی به عدالت حکم نموده و به آن امر می کند. خداوند عزوجل او را و کلامش را تصدیق می نماید و هنگامی که نشانه و علامت ها آشکار می شوند، از مکه خروج می نماید. وی دارای گنج هایی از طلا و نقره نیست، بلکه گنج های او اسب های خوش اندام و نیکو منظر و مردان مشخص شده ای هستند که خداوند آن ها را برای وی از دورترین بلادها جمع آوری کرده است که تعدادشان به عدد اهل جنگ بدر، سیصد و سیزده نفر مرد است؛ و صحیفه ای همراه مهدی است که در آن اصحاب وی با ذکر اسامی، کنیه ها، کشورها، محل سکونت و حتی نوع طبایعشان آمده است،

۷۱. همان، ج ۵۱، روایت ۱۵، ص ۸۱

۷۲. همان، باب ۸، ص ۹۱؛ همان، باب ۱۷، ص ۹۵

۷۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۱۰، روایت ۴، باب ۲۷.

اینان در راه اطاعت او کوشا بوده و رنج و سختی می‌کشند.

بدین ترتیب می‌توان استنباط کرد که در حکومت جهانی مهدوی، حقی از کشورها یا به عبارتی بهتر، ایالت‌های این حکومت در هر کجای گیتی ضایع نمی‌شود. عدالت مهدوی و اسلامی ایجاب می‌نماید که در محیطی با ثبات و سرشار از آرامش و فارغ از هر گونه نزاع، اقوام، کشورها و ملیت‌ها، شایستگان و نخبگان متصف به صفات لازمه اسلامی را به کارگزاری و مدیریت ایالات خویش، در چارچوب حکومت جهانی حضرت مهدی بگمارند.

از مواهب گوناگون این حکومت، هم‌چون امنیت به گونه‌ای مساوی با دیگران بهره‌مند شوند.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که گفته شد، عدالت و امنیت از برترین و مقدم‌ترین نعمت‌ها و دستاوردهایی است که توسط امام موعود به بشریت، آن‌هم در فراخنای گیتی هدیه خواهد شد. انقلاب مصلحانه حضرت برای تکمیل دیانت، رسالت نبوی و امامت اصلاح‌گرایانه امامان معصوم(ع) می‌باشد. امامتی که با خودکامگی و اختناق و سرکوب خودکامگان ستمگر و چیره به فرجام نیکوی خویش نرسید. امام عصر(ع) این نهضت را به پایان خواهند برد و همه اقوام و ملل و فرد فرد انسان‌ها بدون هیچ‌گونه تبعیض و گزینشی طعم شیرین عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید. اسلام دین فراگیر خواهد شد و در جایگاه عادلانه و بایسته خود خواهد نشست و تشیع و شیعیان از آفات و بلیات و آسیب‌ها محفوظ و در کمال امنیت، توان روزافزون و استقرار و حاکمیت خواهند یافت. بشر و تمام ساکنان و جنبندگان آسمان‌ها و زمین با آغوشی باز و خشنودی بدین حکومت تن خواهند داد. قریه و شهر امن قرآنی و الهی در سایه عدالت گستری حضرت مهدی محقق خواهد گردید و جانشینی زمین به صالحان و پارسایان خواهد رسید و ایمان به عنوان سرچشمه اصلی امنیت، بر قلب‌ها و جان‌ها طمأنینه و آرامش را حکمفرما خواهد ساخت. حیات سیئه بشری، جای خود را به حیات طیبه و حسنه خواهد داد.

آسمان‌ها و زمین نیز با پیشه‌کردن عدالت، همه بهره‌ها و نعمت‌های خود را برای استفاده بشر، تقدیم می‌نمایند و ترس و هراس و ناامنی و بی‌عدالتی جای خود را به آرامش و قسط و عدل خواهد داد.

امنیت در زمان ظهور حضرت مهدی، امنیتی غالب بر عدالت و در سایه شمشیر، سرکوب و خودکامگی و اجبار نیست، بلکه بر رویکرد و مشی الهی و انسانی استوار است و

از مشروعیت، مقبولیت و حقانیتی مبتنی بر رضایت و پذیرش کامل مردم سود می‌برد. همین امر به جذب بیش‌تر قلب‌های مردم به سوی امام عصر و نهضت جهان‌شمول ایشان خواهد انجامید و حتی بدکاران نیز راه خوبی و رستگاری در پیش خواهند گرفت.

عدالت مهدوی حکم می‌کند، ملاک‌گزینش کارگزاران، قومیت پرستی و قبیله‌گرایی نباشد. برعکس، در گزینش آن‌ها، اصلح بودن، شایستگی و کاردانی لحاظ شود. هم‌چنان‌که امام (عج) در انتخاب اصحاب سیصدوسیزده‌گانه خود، این ملاحظات را در نظر گرفته و آن‌ها را از کشورها و شهرهای مختلف و با هدایت الهی انتخاب می‌نماید. عدالت و امنیت چه در اندیشه اسلامی و چه در عصر مهدوی در تعامل مستقیمی با یکدیگر قرار داشته و عدالت، خاستگاه و بستر امنیت است. حضرت (ع) با رعایت مساوات و استحقاق‌های افراد بشر، خیرات مشترک را میان مردم توزیع نموده و با حکمیت و قضاوت بر مبنای الهام و علم الهی خویش، زمینه هرگونه حکومت و داوری ناعادلانه و خطاآمیز را از بین می‌برد. بدین وسیله، زمینه‌های نارضایتی و اعتراض‌های مردمی را که بی‌ثباتی و ناامنی را در پی دارد، از میان بر می‌دارد. در آن دوران، در دل مردم به‌جای اشمئزاز از حکومت، مهر و محبت جای‌گزين می‌شود.

با امید به طلوع هرچه زودتر چنین عصر شکوفا و بالنده‌ای، با این دعا، نوشتار حاضر را به پایان می‌بریم: «اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه، تعزبها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله...».